

## بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش جنبش‌های

اجتماعی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۶

نیما اکبری مقدم\*؛ علی محمد حاضری<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱)

### چکیده

در مقاله حاضر با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی و با تأکید بر الگوی بسیج سیاسی تیلی، به بررسی ویژگی‌های سازمان‌یابی در سه جنبش اعتراضی سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ در ایران پرداخته شده است. پرسش اصلی این تحقیق آن است که تفاوت‌ها و شباهت‌های هر یک از این جنبش‌ها از منظر فرایند سازمان‌یابی (هویت مشترک و نهادهای سازمان‌دهنده) چه بوده است؟ روش این پژوهش، مقایسه تطبیقی تاریخی این سه جنبش برپایه تحلیل تفسیری اسناد و مقایسه مورد‌هاست. برپایه نتایج حاصل از تحقیق، تفاوت‌ها و شباهت‌های سه جنبش مورد بررسی از منظر سازمان‌یابی تعیین شده است. تشکلهای سازمان‌دهنده در جنبش ۱۳۷۸، عمدتاً ترکیبی از احزاب رسمی اصلاح‌طلب، تشکلهای رسمی دانشجویی و حلقه‌های روشنفکری دینی هستند. سازمان در جنبش ۱۳۸۸ مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی و ستادهای انتخاباتی، احزاب رسمی اصلاح‌طلب و تشکلات رسمی دانشجویی است، اما نقش محوری بر مشارکت از پایین به بالای طبقه متوسط شهری و شبکه‌سازی‌های وسیع این طبقه از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی استوار است. در مقایسه با جنبش‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، در جنبش ۱۳۹۶ هسته‌های معترض صنفی یا گروه‌های معترضی که مستقیماً در معرض تهدیدی قرار داشتند، موتور محرک سازمانی جنبش ۱۳۹۶ هستند.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

nima.akbari1391@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0002-6643-8772>

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

### مقدمه

نگاهی به تاریخ تحولات اجتماعی در دو سده اخیر در ایران نشان می‌دهد که جامعه ایران تجربیات گوناگون و بسیار مهمی را در حوزه جنبش‌های اجتماعی سپری کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نهضت مشروطه، جنبش‌های کارگری، نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی اشاره کرد. در دهه‌های اخیر نیز، با جنبش‌های اجتماعی مختلفی روبه‌رو بوده‌ایم که شاخص‌ترین آن‌ها عبارت است از: جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸، اعتراضات انتخاباتی ۱۳۸۸ و اعتراضات معیشتی دی ۱۳۹۶. جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ محصول تحولات برآمده از پدیده دوم خرداد است و باید در آن بستر ارزیابی شود. نقطه عطف بعدی در روند شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید در ایران، مشارکت اجتماعی در انتخابات سال ۱۳۸۸ و پس از آن پیدایش جنبش اعتراضی ۱۳۸۸ است. نقطه عطف بعدی که می‌توان آن را موج سوم جنبش‌های اجتماعی نوین در ایران دانست، مرتبط با اعتراضات سال ۱۳۹۶ است که در یک دوره کم‌تر از یک ماه (از ششم و هفتم دی‌ماه ۱۳۹۶ تا ۳۰ دی ۱۳۹۶) با مجموعه‌ای از اعتراضات زنجیره‌وار در شهرهای مختلف ایران مواجه بوده‌ایم. در اعتراضات دی ۱۳۹۶ نه با یک جنبش سازمان‌یافته و تک‌صدا، بلکه با مجموعه‌ای از اعتراضات پراکنده و چندصدا روبه‌رو هستیم. اعتراضات ۱۳۹۶ که از منظر توزیع در پهنه جغرافیایی و نقش مهم مناطق حاشیه‌ای و پیرامونی ماهیت ویژه‌ای در تاریخ جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر دارد. این سه جنبش اجتماعی اعتراضی، برخی از مهم‌ترین تضادها و چالش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران طی دهه‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۶ را آشکار می‌سازد و بررسی آن‌ها می‌تواند مبین تحولات و تغییرات اجتماعی در جامعه ایران و

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

همچنین درک روندهای احتمالی آتی آن باشد. در پژوهش حاضر، هدف تحقیق بررسی چگونگی سازمان‌یابی سه جنبش ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ است. همچنین از طریق بررسی مقایسه‌ای به دنبال فهم شباهت‌ها و تفاوت‌ها و تحولات ایجادشده در وضعیت سازمان‌یابی این جنبش‌ها، یعنی بررسی هویت مشترک هر یک از این جنبش‌ها و نهادها و شبکه‌های سازمان‌دهنده آن‌ها هستیم. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق ناظر بر چگونگی سازمان‌یابی کنش جمعی اعتراضی در هر یک از این سه جنبش است.

### ادبیات تجربی

در حوزه جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی، تحقیقات اندکی صورت گرفته است و به‌ویژه از منظر تجربی و اکادمیک کم‌تر به آن‌ها پرداخته شده است. از سوی دیگر به دلیل ماهیت سیاسی جنبش‌های اجتماعی شاخص پس از انقلاب اسلامی، مباحثات و تحلیل‌های فراوانی در سال‌های اخیر درباره این جنبش‌ها شکل گرفته و در رسانه‌های متعدد منتشر شده است. در این پیشینه تجربی تلاش می‌کنیم تا به تحقیقات دانشگاهی صورت گرفته در باب این جنبش‌ها بپردازیم. حمیدرضا جلائی‌پور یکی از جامعه‌شناسانی است که در حوزه جنبش‌های اجتماعی تحقیق کرده است. آثار وی بیشتر معطوف به بررسی جنبش‌های اصلاحات و جنبش دانشجویی اصلاح طلب است. جلائی‌پور (۱۳۸۹) در کتاب *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی؛ با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد*، به بررسی نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی در سنت‌های مختلف جامعه‌شناسی پرداخته است و سپس تلاش کرده تا جنبش اصلاحات دوم خرداد و برخی جنبش‌های اجتماعی جدید در ایران را مورد بررسی تحلیلی قرار دهد. وی در این اثر ابتدا به بیان تعریف و انواع نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی پرداخت و از این طریق نشان داد که چرا جنبش دوم خرداد را از نوع جنبش‌های اصلاحی و دموکراتیک

می‌داند. جنبشی که تاکنون از ویژگی‌های جنبش‌های انقلابی توده‌ای و «اصقلابی» (اصلاحاتی - انقلابی) به دور بوده است. همچنین نویسنده سعی دارد نسبت این جنبش‌ها را با جنبش‌های جدید خصوصاً با جنبش دانشجویی زنان بنیادگرا و ناسیونالیستی و نیز مسائل ناشی از جهانی شدن نشان دهد. این کتاب از پنج بخش تشکیل شده است. تمرکز بخش اول (تقریباً نیمی از کتاب) عمدتاً بر مباحث نظری جنبش‌های اجتماعی است و در این بخش جنبش دوم خرداد به صورت فرعی در ذیل این مباحث مطرح می‌شود. اما تمرکز بخش‌های دیگر عمدتاً بر مؤلفه‌های اصلی جنبش دوم خرداد و نمودهای عمده آن در عرصه‌های سیاسی و انتخاباتی است. جلالی‌پور (۱۳۸۹) همچنین، در مقاله‌ای با عنوان «فهم جنبش دانشجویی در ایران؛ با تأکید بر فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)» به بررسی تجربه ظهور جنبش‌های دانشجویی در دهه‌های اخیر در ایران در دوره دولت اصلاحات پرداخته است. از نظر جلالی‌پور، جامعه ایران در چند دهه گذشته شاهد تجربه جنبش‌های دانشجویی بوده است. به باور وی، این جنبش‌ها پیش‌قراول جنبش‌های ملی و سراسری از جمله نهضت ملی نفت (۱۳۳۲)، انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و جنبش اصلاحی (۱۳۷۶) بوده‌اند. سؤال اصلی جلالی‌پور در این مقاله این است که چرا جنبش‌های دانشجویی به راه می‌افتند؟ وی تلاش می‌کند از منظر پنج نظریه جامعه‌شناختی به این پرسش پاسخ دهد و پس از آن، تجربه جنبش دانشجویی در ایران را ارزیابی کند. در پایان مقاله نیز دلایل افول فعالیت‌های دانشجویی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ را توضیح داده است. جلالی‌پور (۱۳۹۱) در پژوهشی دیگر، با عنوان «لایه‌های جنبشی جامعه ایران؛ دو جنبش کلان و ده جنبش خرد اجتماعی»، جامعه ایران را از منظر دو گونه جنبش و با روش کیفی مورد تفسیر و توصیف قرار می‌دهد. براساس این مطالعه، ایران دارای

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

پتانسیل جنبشی قابل توجهی است. این جامعه میزبان دو جنبش کلان است که عبارت‌اند از: جنبش مردمی، مذهبی، ضدآمریکایی و جنبش دموکراسی‌خواه. از نظر جلائی‌پور، جنبش اول غیر از امکانات جامعه از امکانات دولت نیز برخوردار است، اما جنبش دموکراسی‌خواه با ده جنبش مبتنی بر پیش‌روی آرام در رابطه متقابل قرار دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً، یکی از راه‌های مؤثر تخلیه جنبش‌های اجتماعی تقویت سازوکار مردم‌سالاری است؛ ثانیاً، ممکن است بتوان تظاهرات جنبش دموکراسی‌خواه را در خیابان‌ها کنترل کرد، ولی نمی‌توان آن را درون جامعه محو کرد، زیرا این جنبش به جنبش ده‌گانه‌ای مرتبط است که در بطن زندگی روزانه مردم در جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد و به راحتی محو‌شدنی نیست. جلائی‌پور همچنین در باب جنبش انتخاباتی سال ۱۳۸۸ نیز در پژوهشی با عنوان «رخدادهای انتخابات ۱۳۸۸ از چشم‌انداز تحلیل چارچوب»، به بررسی موضوع تعامل میان رهبری جنبش‌ها با بدنه اجتماعی آن‌ها با توجه به حوادث پس از انتخابات در سال ۱۳۸۸ در ایران پرداخته‌اند. برای این کار، از رویکرد تحلیل چارچوب استفاده شده که در سال‌های اخیر در بررسی جنبش‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد به اهمیت چارچوب‌های تفسیری در قابل فهم کردن وضعیت موجود برای مخاطبان جنبش و تأثیر آن بر توان بسیج‌گری رهبری جنبش می‌پردازد. نتایج تحقیق از تحلیل محتوای کیفی متن سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها در یک دوره دو ساله به دست آمده است. نگارندگان در این مقاله، چارچوب‌بندی رهبری جنبش قبل و بعد از انتخابات را به سه دوره مجزا تقسیم و ویژگی‌های هر مرحله را بیان کرده و بر این اساس، نتیجه گرفته‌اند که پوشش‌های درونی جنبش طی رخدادهای اجتماعی، رهبران را نیز دچار تغییر می‌کند و چارچوب‌بندی آن‌ها را از وضعیت موجود تحت تأثیر قرار می‌دهد (جلائی‌پور و نصر

اصفهانی، ۱۳۹۳). کامران ربیعی، جامعه‌شناس ایرانی، نیز در حوزه جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه و ایران مطالعه و پژوهش کرده است. وی عمدتاً به صورت تطبیقی به بررسی جنبش‌های اجتماعی در ایران و خاورمیانه پرداخته است و در مطالعات خویش بر پیوندها و شرایط ساختاری مشابه کشور ایران با کشورهایمانند تونس و مصر که در آن‌ها پدیده بهار عربی به وقوع پیوسته است، اشاره می‌کند. وی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین شرایط تکوین بهار عربی و زمینه‌های فروپاشی رژیم‌های سیاسی در تونس و مصر» (ربیعی، ۱۳۹۷) به بررسی تحولات سیاسی برآمده از جنبش‌های اعتراضی در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال‌های اخیر پرداخته و به‌طور ویژه دو انقلاب تونس و مصر را که در نتیجه آغاز جنبش‌های اعتراض در این دو کشور صورت پذیرفت مورد بررسی قرار داده است. به باور ربیعی، طی دهه‌های گذشته هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه و شمال آفریقا درگیر تحولات سریع سیاسی و دستخوش آشوب، ناآرامی و بی‌ثباتی نبوده است. ربیعی در این مقاله هدف اصلی پژوهش خود را تبیین شرایطی می‌داند که در آن بهار عربی تکوین یافت و به‌طور خاص در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی در این کشور وجود داشت که موجب آغاز موج بهار عربی در منطقه خاورمیانه شد. ربیعی با رویکردی چندبعدی به بررسی شرایط تکوین بهار عربی در دو کشور مصر و تونس می‌پردازد و فرضیه اصلی تحقیق وی این است که بین این دو کشور شباهت زیادی از منظر ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود داشته است. ربیعی همچنین در پژوهشی دیگر که به زبان انگلیسی منتشر شده به مقایسه بهار عربی و اعتراضات انتخاباتی سال ۱۳۸۸ در ایران پرداخته است. اعتراضات انتخاباتی ایران، موسوم به «جنبش سبز» در سال ۲۰۰۹ میلادی و دو سال قبل از وقوع بهار عربی در برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به وقوع پیوست. سؤال اصلی ربیعی

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

در این پژوهش این است که چرا اعتراضات انتخاباتی ایران در سال ۱۳۸۸ منجر به تغییر رژیم سیاسی در ایران نشد، اما بهار عربی به تغییر نظام‌های سیاسی در تونس و مصر منجر شد. همچنین وی در این پژوهش به بررسی برخی از عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی در رژیم‌های سیاسی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در آینده پرداخته است. به باور ربیعی متغیرهایی نظیر سابقه انتخابات و عملکرد احزاب در کشور، شکل اقتدار و مشروعیت، منابع مالی در اختیار دولت، ارتباط روحانیون و نیروهای مذهبی با حکومت و گسل‌های فرقه‌ای و قومی موجود در کشور جزو اصلی‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده ثبات/بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. از نظر ربیعی ائتلاف قدرتمند رهبران و نیروهای مذهبی در ایران مانع از بسیج نیروهای مذهبی علیه دولت مرکزی می‌شود و از آنجا که بخش زیادی از جمعیت در ایران مذهبی است، منافع آن‌ها در قبال تداوم رژیم است و در نتیجه اعتراضات ۱۳۸۸ در ایران نتوانست به تغییر رژیم منجر شود، اما در تونس و مصر به دلیل پیوند ضعیف حاکمیت با نیروهای مذهبی و همچنین وجود شکاف‌های قومی و مذهبی فعال، اعتراضات به تغییر رژیم منجر شد (Rabiei, 2020, pp. 144-170). آصف بیات نیز یکی از پژوهشگران ایرانی است که در آثاری چون «سیاست‌های خیابانی؛ جنبش تهری‌دستان شهری در ایران» و «زندگی همچون سیاست؛ چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند» با بهره‌گیری از رویکرد جنبش‌های اجتماعی جدید به بررسی جنبش‌های فرودستان شهری در ایران پس از انقلاب پرداخته است. از ویژگی‌های پژوهش‌های آصف بیات در این حوزه، رویکرد تاریخی وی به مقوله جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از انقلاب و همچنین تأکید بر نقش طبقات کارگری و فرودستان در بدنه اجتماعی این جنبش‌هاست. وی در بررسی جنبش‌های فرودستان

شهری در ایران، نظریه «پیش‌روی آرام مردم معمولی» را مطرح کرده است. نظریه پیش‌روی آرام، متأثر از نظریات جنبش‌های اجتماعی جدید و به‌ویژه نظریه «سیاست هویت» آلن تورن و «دموکراسی معانی» آلبرتو ملوچی است با وجود این بیات در بررسی جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه و ایران از تعبیر «ناجنبش» استفاده می‌کند تا تفاوت‌های بنیادی جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه را با کشورهای اروپایی و آمریکا نشان دهد. از نظر بیات به دلیل ساختار سیاسی توسعه‌نیافته در جوامع خاورمیانه‌ای از جمله ایران، جنبش‌های اجتماعی به صورت ناگهانی، خلاقانه، غیرسازمان‌یافته و از طریق پیش‌روی آرام، شبکه روابط محلی و در فضاهای عمومی مانند خیابان‌های سطح شهر پدید می‌آید و فاقد نهادهای ساختارمند، ایدئولوژی و هویت معین است. از این رو، وی جنبش‌های خاورمیانه‌ای را نوعی «ناجنبش» می‌داند که نتیجه سرکوب و اختناق سیاسی و اجتماعی حاکم بر این جوامع است. از نظر بیات ناجنبش‌های اجتماعی اشاره به اقدامات جمعی از عوامل غیرسازمان‌یافته دارد. این جنبش‌ها تجسم شیوه‌های مشترک رفتارهای شمار زیادی از مردم عادی است که جداگانه اعمال می‌شوند، اما شباهت زیاد و فراگیری وسیع آن‌ها سبب تغییرات اجتماعی بزرگ و ریشه‌ای در جامعه می‌شود. از نظر بیات رفتار فرودستان شهری در این ناجنبش‌ها نوعی سیاست اعتراضی نیست، بلکه سیاست رفع کمبود است که هدف آن به دست آوردن نتیجه فوری از طریق کنش فردی مستقیم است (بیات، ۱۳۹۰، ص. ۷۲). در سال‌های اخیر همچنین، موضوع برخی از پایان‌نامه‌های حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی، با توجه به اهمیت موضوع، به بررسی جنبش‌های اعتراضی اواسط دهه ۱۳۹۰ ش در ایران اختصاص یافته است. جعفری‌پور (۱۳۹۸)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جهت ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای عرصه سیاسی و اجتماعی؛



بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

مطالعه موردی اعتراضات دی‌ماه ۹۶» به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد تهدیدها و فرصت‌ها در برابر دولت‌ها پرداخته است و بدین منظور به مطالعه موردی اعتراضات دی ۱۳۹۶ پرداخته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که شبکه‌های اجتماعی مجازی در اعتراضات دی ۱۳۹۶ چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را در عرصه سیاسی و اجتماعی به وجود آورده است؟ در راستای پاسخ به پرسش فوق، محقق با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای موجود و روش توصیفی به فرصت‌ها و تهدیدات شبکه‌های اجتماعی مجازی در عرصه سیاسی و اجتماعی پرداخته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر این‌که چالش‌های بسیاری ایجاد کرده، فرصت‌های متنوع و متعددی را نیز در اختیار دولت‌ها قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، نوع و چگونگی استفاده از آن‌هاست که فرصت یا تهدید بودن آن را مشخص می‌کند. با وجود این، در اعتراضات دی ۱۳۹۶، جمهوری اسلامی ایران با توجه به نگاه سلبی موجود به شبکه‌های اجتماعی مجازی به صورت کامل نتوانست از فرصت‌های به دست آمده بهره ببرد، ولی در مقابل معارضان نظام اسلامی با استفاده از آن‌ها تهدیدهای بسیاری متوجه آن ساختند که خوشبختانه در نهایت با برخی اقدامات مسئولان، تهدیدها در این عرصه به صورت موقتی برطرف و معارضان با شکست مواجه شدند. چگینی (۱۳۹۹)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی در دعوت، تشویق و جهت‌دهی به اعتراضات مردمی در آبان‌ماه ۹۸ به سمت آشوب و ناآرامی (مطالعه موردی پیام رسان تلگرام)»، به بررسی نقش شبکه‌های مجازی در ایجاد حرکت‌های اجتماعی و مانورهای خیابانی پرداخته است. هدف این پژوهش بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در دعوت، تشویق و جهت‌دهی به اعتراضات مردمی در آبان‌ماه ۱۳۹۸ به سمت آشوب و ناآرامی (مطالعه موردی پیام‌رسان

تلگرام) انجام شده است. این پژوهش از نوع پیمایشی (پرسش‌نامه) و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی و استنباطی است و برای تحلیل آن‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. جامعه آماری پاسخ‌گویان شهروندان بالای هجده سال شهر قزوین است که براساس جدول تعیین حداقل اندازه نمونه ۳۸۴ نفر مشخص، که به‌علت شرایط کرونایی استان پرسش‌نامه‌ها به‌صورت اینترنتی و میدانی توزیع شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تلگرام در دعوت و تشویق مردم برای حضور در اعتراضات و جهت‌دهی به این اعتراضات نقش داشته است و همچنین عدم شفافیت، انحصار و سکوت رسانه‌ای باعث رجوع مردم به شبکه‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی و گرایش شهروندان به رسانه‌های مخالف حکومت می‌شود. دوگانی آغچغلو (۱۳۹۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مطالعه دلایل به خشونت کشیده شدن اعتراضات اجتماعی از منظر دستگیرشدگان اعتراضات آبان ۹۸ در شهر خرم‌آباد و دورود» به بررسی مسئله خشونت در جنبش‌های اعتراضی با تأکید بر اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در شهر خرم‌آباد و دورود پرداخته است. به باور محقق، در ناآرامی و اجتماع اعتراضی آبان‌ماه ۱۳۹۸ که در خلال گرانی قیمت «بنزین» رخ داد آنچه باعث به انحراف کشیده شدن این اعتراض اخیر و به‌تبع آن موجب عدم شنیده شدن و اخواست‌ها و دغدغه‌های آحاد معترضان شد، همین گرایش به خشونت بود که از این جریان‌ها یک کانون تولید خشونت و جرم ساخت. گاهی با توجه به آفت‌های خرد و کلانی که این تجمعات داشت، جامعه را نسبت به این اعتراض‌ها حساس کرد که علاوه بر بیهودگی و بی‌هدفی، این ناآرامی‌ها باعث اضرار ضَعَف جانی و مالی شد؛ اعم از ضرر و زیان مادی و معنوی و سایر جرم و جنایات دیگر که مطابق با قوانین موضوعه کیفری - حقوقی دارای وصف مجرمانه بوده و قابل مجازات است. حال این موضوع مهم و پیچیده می‌تواند مورد توجه دغدغه‌مندان

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

حوزه جرم‌شناسی قرار گیرد؛ بدین‌گونه که مطالعات جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناختی باید به علت‌یابی موضوع حاضر بپردازد که چرا اجتماعات اعتراضی به سمت خشونت گرایش پیدا می‌کنند، و ریشه خشونت‌های برآمده از ناآرامی‌های اجتماعی چیست. پاشای فومشی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان *فراتحلیل اعتراضات خیابانی دی ۹۶ در ایران*، به بررسی دیدگاه‌های تحلیلی مختلف در باب اعتراضات دی ۱۳۹۶ پرداخته است. به باور محقق، از نگاه تحلیلگران ناآرامی‌ها و اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ را نمی‌توان به‌عنوان شورش موردبررسی قرار داد، زیرا این تحرکات به‌گونه‌ای پیش‌زمینه جنبش‌های مبتنی بر پیش‌روی آرام را تداعی می‌کند، زیرا در این میان نارضایتی‌ها و گفتارهای معنابخش با رهبری شبکه‌های اجتماعی و تشکل‌های سیاسی در جهت تحقق مطالبات شکل گرفته است که بر پایه زوال و نابودی بی‌اعتمادی‌های سیاسی به اوج رسیده است. بدین ترتیب درمورد علل، روند، شکل‌گیری ماهیت اعتراض‌ها، تحلیل‌ها و اظهارنظرهای گوناگونی از سوی صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی ارائه شده است که ضرورت دارد جمع‌بندی تلفیقی به‌صورت یک چارچوب تئوریک جامع بیان شود. پژوهش حاضر در پاسخ به این ضرورت انجام خواهد شد.

### چارچوب نظری

در حوزه جنبش‌های اجتماعی از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به بعد با توجه به پیدایش اشکال متعدد و جدید جنبش‌های اجتماعی و نقش تأثیرگذار آن‌ها در سپهر سیاسی جوامع مختلف جهان، رویکردهای نظری مختلفی پدیدار شد که براساس یک تقسیم‌بندی اولیه می‌توان آن‌ها را به سه رویکرد رفتار جمعی، نهادی و جنبش‌های اجتماعی جدید تقسیم کرد. چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از الگوی بسیج

سیاسی چارلز تیلی است که مؤلفه‌های درونی آن ناظر بر ابعادی است که به پیدایش کنش جمعی اعتراضی یا جنبش اجتماعی منجر می‌شود. نظریه تیلی جزو نظریات رویکرد نهادگرا محسوب می‌شود. در این رویکرد، جنبش‌های اجتماعی به‌مثابه اموری هنجارین و جزئی از روال عادی کنش سیاسی در جوامع در نظر گرفته می‌شوند که دارای ماهیتی سیاسی هستند. چارلز تیلی جامعه‌شناس آمریکایی و یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان و پژوهشگران حوزه جنبش‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی است. آثار وی طیف گسترده‌ای از مطالعات تاریخی را دربر می‌گیرد که شامل بررسی‌های تاریخی موردی، مانند کتاب *منطقه و‌انده* و بررسی‌های نظری، مانند کتاب *از بسیج تا انقلاب* است. نظریه تیلی در باب جنبش‌های اجتماعی و کنش‌های اعتراضی جمعی بر خلاف نظریه‌های تبیین‌کننده چرایی وقوع انقلاب - که در پی پاسخ‌گویی به چرایی انتقال جامعه از وضعیت عادی به وضعیت انقلابی هستند و هر کدام براساس رهیافت خویش، یک یا مجموعه‌ای از عواملی را که مسبب تغییر وضعیت جامعه می‌دانند، مورد تأکید قرار می‌دهند - توجه خود را به توصیف و تبیین چگونگی وقوع جنبش انقلابی از مرحله بسیج‌گری گروه‌های انقلابی تا پیروزی انقلاب معطوف معطوف می‌دارد (گلدستون، ۱۳۸۵، ص. ۱۸). تیلی برای تبیین و توصیف جنبش‌های اجتماعی کنش‌های جمعی ابتدا دو مدل نظری ارائه می‌دهد. مدل سیاسی<sup>۱</sup> که به توصیفی ایستا از جامعه سیاسی اقدام می‌کند و مدل بسیج<sup>۲</sup> که به توضیح کنش جمعی می‌پردازد. عناصر مدل سیاسی وی عبارت‌اند از: ۱) جمعیت: مجموعه‌ای از افرادی که با انگیزه‌های مشترک در یک کنش جمعی به‌صورت سازمان‌یافته یا خودانگیخته شرکت می‌کنند، ۲) حکومت: سازمانی که مدعیان اصلی را کنترل می‌کند یا به عبارتی سازوکار اعمال زور بر جمعیت را دارد؛ ۳) یک یا چند مدعی: گروه‌هایی که از منابع برای نفوذ در حکومت استفاده

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

می‌کنند و شامل اعضا و چالشگران می‌شود. اعضا مدعیانی هستند که به منابع تحت کنترل حکومت دسترسی دارند یا هزینه دسترسی برای آن‌ها ناچیز است؛ یا به تعبیری آن دسته از مدعیان که دعوی آن‌ها در مبارزه قدرت، مشروع شناخته می‌شود؛ (۴) چالشگران: مدعیانی که هزینه دسترسی به منابع تحت کنترل دولت برای آن‌ها زیاد است؛ (۵) جامعه سیاسی: عرصه کنش جمعی اعضا و حکومت را دربر می‌گیرد؛ (۶) ائتلاف: گرایش مجموعه‌ای از اعضا و یا حکومت برای هماهنگی در کنش جمعی است (موثقی گیلانی و عطارزاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۳). در شکل زیر روابط عناصر مدل سیاسی مشاهده می‌شود. الگوی دومی که تیلی ارائه می‌کند الگوی بسیج نام دارد. این الگو شامل مفاهیم چندگانه‌ای است که عبارت‌اند از: منافع<sup>۳</sup>، سازمان<sup>۴</sup>، بسیج<sup>۵</sup>، سرکوب/تسهیل<sup>۶</sup>، قدرت<sup>۷</sup>، تهدید/فرصت<sup>۸</sup> و کنش<sup>۹</sup>. شیوه‌های بسیج منابع، سازمان‌دهی و منافع یک جنبش از نظریه تیلی عوامل درون‌گروهی شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی هستند. سرکوب و شرایط تسهیل شدن فعالیت یک جنبش، قدرت تأثیرگذاری یک جنبش در فضای سیاسی و همچنین تهدیدها و فرصت‌های زمینه‌ای پیش‌روی یک جنبش نیز به‌عنوان عوامل برون‌گروهی تکوین و تداوم جنبش‌های اجتماعی از نظر تیلی محسوب می‌شوند. در این تحقیق از الگوی بسیج چارلز تیلی به‌منظور بررسی هویت اعتراضی و نهادهای سامان‌دهنده جنبش‌های اعتراضی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۶ ش بهره گرفته شده است و به‌طور خاص، مؤلفه «سازمان»، که جزو مؤلفه‌های درون‌گروهی شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی است مورد استفاده قرار گرفته است.

### چارچوب روش‌شناختی

#### روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات تاریخی - تطبیقی کیفی است که در پی ارائه توصیف (چگونگی) موضوع موردبررسی است. به گفته ریگین، روش تطبیقی راهی برای استنباط عملی از طریق مقایسه نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر است (Ragin, 1994, p.106). اعتراضات دی ۱۳۹۶ به‌عنوان یک حرکت اجتماعی دارای پیوند و ارتباط تاریخی با اعتراضات و جنبش‌های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ است و اعتراضات این سال را نیز نمی‌توان بدون ارتباط با جنبش اجتماعی اصلاحات و جنبش اعتراضی سال ۱۳۷۸ توضیح داد. بنابراین معطوف شدن به زمان حال و بررسی مقطعی نمی‌تواند علل شکل‌گیری این پدیده را به‌درستی تبیین کند و بدین منظور لازم است که به دنبال مؤلفه‌های تاریخی باشیم. داده‌های این تحقیق از نوع اسناد متنی است و روش گردآوری داده‌ها رجوع به اسناد و گزینش داده‌های لازم براساس سؤالات و مفاهیم تحقیق است. روش تحلیل داده‌ها نیز از نوع تفسیر تاریخی و مقایسه‌ای است و به‌منظور تحلیل داده‌ها از تکنیک روایتی بهره گرفته شده است. علت برگزیدن تکنیک روایتی این است که موردهای موردپژوهش در این تحقیق همگی در درون یک سیستم واحد (جامعه ایران) قرار دارند و موردها به صورت فرایندی در ارتباط با یکدیگر به‌صورت یک پیوستار تاریخی در نظر گرفته شده‌اند. براساس الزامات روش پژوهش تطبیقی - تاریخی، از آنجا که تحلیل تنها در سطح درون‌کشوری است، تکنیک مناسب برای تفسیر داده‌های تاریخی، تکنیک روایتی بوده است. تکنیک تحلیل روایتی با توجه به سه معیار زمینه‌مندی، زمان‌مندی و فرایندی بودن در پی آن است تا تفسیری از شرایط و تغییر در یک پدیده اجتماعی ارائه دهد (ساعی، ۱۳۹۲، صص. ۱۴۴-۱۴۵). در تکنیک تحلیل روایتی حوادث و فرایندها در بازه زمانی موردنظر بررسی می‌شوند و سلسله‌حوادثی که در مرحله پایانی به تولید معلول می‌انجامند روایت

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار  
می‌شوند. با تحلیل روایتی، توالی رویدادها به صورت یک داستان از نقطه آغاز تا پایان،  
یعنی وقوع آخرین مرحله (نتیجه) نقل می‌شود.

### تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم تحقیق

**جنبش اجتماعی:** هربرت بلومر از اولین مطالعه‌کنندگان پدیده جنبش‌های اجتماعی است که تعاریف مختلفی از جنبش‌های اجتماعی ارائه کرده است. وی جنبش اجتماعی را در آثار اولیه خود به عنوان تعبیری برای بنیان‌گذاری یک نظم جدید در زندگی می‌داند (Blummer, 196, p.8). کارتون معتقد است که جنبش‌های اجتماعی یک عمل جمعی با مقداری ثبات زمانی است که درجه‌هایی از سازمان را در خودش دارد و جهت‌گیری آن به سوی تغییر یا حفظ جامعه از تغییر در حوزه خاصی از جامعه است (Careton, 1994, p.67). تام باتامور جنبش اجتماعی را کوششی جمعی برای پیش‌برد یا مقاومت در برابر دگرگونی در جامعه‌ای که خود بخشی از آن است تعریف می‌کند. او جنبش اجتماعی را پدیده‌ای کم‌تر سازمان‌یافته و بدون عضویت منظم و سازمان‌یافته می‌داند (باتامور، ۱۳۶۷، ص. ۵۶). آنتونی گیدنز جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیش‌برد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عملی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۴، ص. ۶۷۲). چارلز تیلی نیز در تعریف جنبش اجتماعی معتقد است: «جنبش اجتماعی به طور خاص عبارت است از چالشی مستقر علیه صاحبان قدرت به نام جمعیتی که تحت حکومت آن صاحبان قدرت قرار دارد» (به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۱). جنبش‌های اجتماعی در معنای مدرن کلمه، در دو قرن اخیر علی‌رغم تفاوتی که بین جنبش‌های کلاسیک و جنبش‌های نوین اجتماعی وجود دارد دارای ویژگی‌های مشترکی است. جامعه‌شناسی کلاسیک عمدتاً به مطالعه جنبش‌های کارگری اختصاص داشت. در دهه‌های اخیر به واسطه پیدایش اشکال

جدیدی از جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش‌های ناسیونالیستی، جنبش‌های دفاع از حقوق زنان، جنبش‌های ضداستعماری و جنبش‌های مذهبی، ویژگی‌های جدیدی نیز در جنبش‌های اجتماعی شناسایی شده است. در مجموع می‌توان گفت که جنبش‌های اجتماعی اعم از کلاسیک تا جدید دارای چهار ویژگی برجسته هستند:

۱. جنبش‌های اجتماعی حول محور یک یا چند تضاد در جامعه شکل می‌گیرند، مانند شکاف سیاسی، شکاف جنسیتی، قومی و طبقاتی.

۲. در جنبش‌های اجتماعی، آموزه‌ها، ایده‌ها و شعارهای مشترکی باید شکل گرفته باشد و هواداران جنبش‌ها در جریان کنش جمعی نسبت به این آموزه‌ها و ایده‌ها نسبت به یکدیگر احساس آگاهی، هویت و هم‌بستگی کنند. این آموزه‌های مشترک براساس سطح تحلیل می‌تواند از جنس گفتمان یا ایدئولوژی باشد.

۳. روابط میان اعضای یک جنبش اجتماعی فقط وابسته به احزاب و نهادها و سازمان‌های بوروکراتیک و بزرگ نیست، بلکه شبکه وسیعی از روابط غیررسمی در میان اعضای جنبش وجود دارد و گروه‌های رقیب و ساختارهای قدرت سیاسی به راحتی نمی‌توانند جلوی این شبکه ارتباطی غیررسمی بین اعضای جنبش را بگیرند. وجود شبکه‌های غیررسمی یکی از ویژگی‌های اساسی جنبش‌های اجتماعی است، ولی این امر به معنی عدم پیوستن احزاب و نهادهای دولتی به جنبش‌ها نیست. روند تحول جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر نشانگر اهمیت یافتن شبکه روابط غیررسمی و سازمان شبکه‌ای جنبش در برابر حاکمت روابط رسمی است.

۴. در تمام جنبش‌های اجتماعی اشکال خاصی از اعتراض جمعی و سیاسی وجود دارد. گاه دولت‌ها و ساختار سیاسی اجازه این فعالیت را به جنبش‌ها می‌دهند و



بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

گاهی نیز این امکان سرکوب می‌شود. همچنین گاهی دولت‌ها قادر به کنترل جنبش‌ها به دلیل نیروی بسیج مردمی قوی آن‌ها نیستند (جلائی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۲۹).

براساس این چهار ویژگی همچنین می‌توان جنبش‌ها را از اشکال مشابهی از رفتار جمعی، مانند شورش‌ها، هیجانانگیز جمعی، ائتلاف‌ها، جبهه‌های سیاسی و نهادهای بوروکراتیک، جدا کرد. در رساله حاضر مفهوم جنبش اجتماعی به کنش جمعی هدفمندی اشاره دارد که از سوی دارای ماهیت اعتراضی در برابر ساختارهای قدرت است و از سویی دیگر بیرون از ظرف نهادهای رسمی سیاسی و اجتماع (مانند احزاب و انجمن‌ها) و فرایندهای سیاسی رسمی (مانند کمپین انتخاباتی و تجمعات قانونی و دارای مجوز) صورت می‌گیرد. همچنین در رساله حاضر، کنش جمعی اعتراضی و بیرون از نهادهای رسمی باید دارای نفوذ فراوان در افکار عمومی، تأثیر قابل توجه به شمار «جنبش اجتماع» در مناسبات قدرت و مرتبط بودن با مسائل عمومی جامعه باشد تا بتوان آن را یک آورد.

**سازمان:** یکی از مفاهیم اساسی الگوی بسیج چالز تیلی، مفهوم «سازمان» است. از نظر تیلی سازمان به معنای «هویت مشترک» و «ساختار وحدت‌بخش» میان افراد درون یک جمعیت است. هرچه این دو عنصر قوی‌تر باشند سازمان نیز قوی‌تر خواهد بود. به باور تیلی برای به وجود آمدن سازمان سیاسی، باید اعضای سازمان یا بخشی از آن‌ها به منافع سازمان آگاهی یابند و این آگاهی شبکه‌ای از روابط را ایجاد کند. هرچه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال به وجود آمدن سازمان بیشتر خواهد شد. اندازه و کیفیت سازمان تعیین‌کننده اصلی توان بسیج آن سازمان است. هرچه سازمان‌دهی باکیفیت‌تر و سازمان به لحاظ جغرافیایی سطح بزرگ‌تری را شامل شود، توان بسیج آن بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۰). مفهوم سازمان

در این پژوهش دارای دو بُعد است. بُعد اول مرتبط با ایدئولوژی یا ساختار آگاهی مشترک کنشگران جنبش‌هاست و بُعد دوم مرتبط با ساختار وحدت‌بخش میان افراد، که این ساختار از جنس احزاب سیاسی، تشکلات رسمی و غیررسمی، گروه‌های اجتماعی و حلقه‌های فکری، کمپین‌ها و رسانه‌های وابسته به جنبش‌هاست.

### تحلیل تجربی

#### سازمان در جنبش سال ۱۳۷۸

##### هویت مشترک

از نظر ایدئولوژیک، فضای دانشجویی و همچنین فضای روشنفکری در دهه ۱۳۷۰ ش در ایران، علی‌رغم گفتمان‌های فکری مختلف، زیر سیطره گفتمان روشنفکری دینی قرار داشت. جریان روشنفکری دینی یک جریان فکری - فرهنگی بود که بنیان‌گذاران آن در آغاز با رویکردی اصلاح‌گرایانه ظهور کردند و به‌عنوان مصلحان اجتماعی نسبت به اصلاحات در ساختار اجتماعی آن دوره علاقه‌مند بودند (کاظمی، ۱۳۸۳، ص. ۶۸). هدف عمده آن‌ها این بود تا با به‌وسلیه آموزه‌های جامعه مدرن به نوسازی دین و سنت در جهت رفع مشکلات فرهنگی - اجتماعی و اصلاح آن از طریق تقویت و بازسازی ایمان بپردازند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶، ص. ۱۹۱). روشنفکری دینی تأثیر قابل توجهی بر هویت تشکل‌های دانشجویی دهه ۱۳۷۰ داشت، و این تشکل‌ها تحت تأثیر نظریات روشنفکران دینی، تغییرات بنیادینی را نسبت به مواضع خود در دهه ۱۳۶۰ تجربه کرده بود و دال‌های شناور گفتمان آن از عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان، صدور انقلاب، دشمنی با استکبار جهانی و مبارزه با اسلام آمریکایی به آزادی، قانون‌گرایی، توسعه سیاسی، حقوق شهروندی، آزادی بیان و ... تغییر یافته بود (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۴).

#### نهادهای وحدت‌بخش در جنبش ۱۳۷۸

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

سازمان‌های اثرگذار بر جنبش سال ۱۳۷۸ را می‌توان به سه دسته سازمان‌ها و تشکل‌های دانشجویی، و سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی رسمی و انجمن‌های روشنفکری تقسیم‌بندی کرد. مهم‌ترین تشکل دانشجویی که در جنبش ۱۳۷۸ اثرگذار بود، انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت است. دفتر تحکیم وحدت به‌عنوان نماینده جنبش دانشجویی در انتخابات ۱۳۷۶ از خاتمی حمایت و نقش مهمی در پیروزی اصلاح‌طلبان ایفا کرد و همچنین در دوره انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی و دور اول انتخابات شوراها چند نماینده از دفتر تحکیم انتخاب شدند. همچنین تشکل‌های دانشجویی به مرکزیت دفتر تحکیم وحدت، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی مجلس ششم و شوراهای شهر با اکثریت اصلاح‌طلب داشت (جلالی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۶) که این امر نشانگر اهمیت این تشکل در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ در فضای سیاسی کشور است. از سوی دیگر، علاوه بر تشکل‌های دانشجویی، برخی از احزاب و سازمان‌های سیاسی رسمی نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز با توجه به ظرفیت تشکل‌ساز خود در شکل‌گیری این جنبش نقش داشتند، برای مثال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با نفوذ در هسته مرکزی جبهه مشارکت و نیز تربیت نیروهای دفتر تحکیم وحدت، تأثیری عمیق بر روی این دو تشکل و همچنین جبهه دوم خرداد یا نیروهای اصلاح‌طلبان گذاشت و با تحلیل‌دهی به نخبگان این جبهه، لقب «رهبران در سایه» را با خود یدک می‌کشید (شمسی، ۱۳۹۰، ص. ۸۱). دسته سوم از سازمانی که در شکل‌گیری جنبش ۱۳۷۸ نقش داشت، حلقه‌های روشنفکری دینی بودند که مهم‌ترین آن‌ها حلقه کیان و حلقه آیین است. حلقه کیان از جمعی از روشنفکران دینی در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ تشکیل می‌شد و چهره محوری آن دکتر سروش بود که برخی از چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اعضای حزب مشارکت نیز در آن حضور داشتند. حلقه کیان، مواضع

فکری خود را علاوه بر سخنرانی‌ها در نشریاتی چون کیان منتشر می‌کرد. حلقه آیین نیز ارگان نظری حزب مشارکت بود که صاحب نشریه‌ای به نام آیین بود که هدف عمده آن‌ها ایجاد پیوند بین روشنفکران دینی و اصلاح‌طلبان سیاسی بود (همان، ص. ۱۰۵).

### بررسی سازمان در جنبش ۱۳۸۸

#### هویت مشترک در جنبش ۱۳۸۸

در جنبش ۱۳۸۸، با افول گفتمان روشنفکری دینی طی این یک دهه، گفتمان جایگزینی نتوانست خود را به گفتمان مسلط تبدیل کند. همانطور که اشاره شد، پایگاه طبقاتی جنبش ۱۳۸۸، از طبقه متوسط شهری، دانشجویان، زنان، روشنفکران و طرفداران جناح اصلاح‌طلب تشکیل شده بود. بنابراین، هویت مشترک این جنبش ترکیبی از هویت انسجام‌یافته این طبقات اجتماعی بود. یکی از سندهای مهم که براساس آن می‌توان چارچوب هویت مشترک را در جنبش ۱۳۸۸ بازشناسی کرد، منشور جنبش سبز است. برخی از مهم‌ترین رئوس مورد اشاره در این زمینه عبارت‌اند از: پذیرش تکثر درون جنبش، تحکیم پیوند میراث دینی و ملی و تأکید بر تقویت ارزش‌های والای فرهنگ ایرانی، نفی تبعیضات قومی، جنسیتی، طبقاتی و مذهبی، نفی اجبار مردم به پای‌بندی به مرام و مسلک خاص، تأکید بر فعالیت احزاب، رسانه‌های مستقل، دسترسی آزادانه به اطلاعات و آزادی زندانیان سیاسی، تأکید بر پرهیز از خشونت، فعالیت مسالمت‌آمیز و توسل به راه‌های غیرخشونت‌آمیز، احترام به حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و اجرای بدون تنازل قانون اساسی، تأکید بر صیانت از آرای مردم تا زمان استقرار نظام انتخاباتی آزاد، رقابتی، منصفانه و نفی نظارت استصوابی، نفی هر اقدام برخلاف منافع ملی و ناقض اصل استقلال، دفاع از کرامت انسان و حقوق بنیادین بشر فارغ از مذهب، جنسیت، قومیت و موقعیت اجتماعی (موسوی، ۱۳۹۱، ص. ۹۰۴).

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

### سازمان‌های وحدت‌بخش در جنبش ۱۳۸۸

درباره جنبش ۱۳۸۸، بسیاری بر این باورند که این جنبش از طبقات و گروه‌های نسبتاً یکدست و هم‌افقی تشکیل نشده بود، نتوانست به اتفاق نظری دست یابد، مرکزیتی شکل دهد، سازمان‌دهی استراتژیکی طرح‌ریزی کند و سازمان‌هایی گرد خود ایجاد کند. فقدان رهبری قابل اتکا، فقدان سازمان‌دهی منسجم، تکثر نیروها، خاستگاه طبقاتی و مطالبات معترضان از جمله عواملی است که در مورد ضعف سازمان‌دهی و شکست جنبش ۱۳۸۸ مطرح می‌شود (روشنایی، ۲۰۱۴، ص. ۳). در منشور «جنبش راه سبز امید» در مورد ماهیت سازمانی جنبش ۱۳۸۸ آمده است: «جنبش سبز را نه می‌توان یک حزب متمرکز دانست و نه مجموعه‌ای از افراد سازمان‌نیافته و بی‌هدف. جنبش سبز بر پایه اصول و مبادی بنیادین خود با استفاده از سازمان‌دهی افقی و همسو در قالب شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی بر فهم، اندیشه و نوآوری‌های ملت ایران تکیه دارد و دستیابی به آرمان‌هایی چون آزادی و عدالت را منوط به شکوفایی این خلاقیت‌ها می‌داند (موسوی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۷۶). از منظر سازمان‌های عینی و نهادمند، در جنبش ۱۳۸۸، برخی احزاب اصلاح‌طلب مانند حزب اعتماد ملی، جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از امکانات سازمانی خود برای حمایت و تبلیغ به نفع کاندید اصلاح‌طلب استفاده کردند. این احزاب پس از اعلام نتایج انتخابات و شکل‌گیری تجمعات اعتراضی، با صدور بیانیه‌هایی، به روند شمارش آرا و اعلام نتیجه انتخابات اعتراض کردند و این انتخابات را نوعی کودتا علیه مردم‌سالاری دانستند (نک: جبهه مشارکت، ۱۳۸۸، ص. ۱؛ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص. ۱). «شورای هماهنگی جبهه اصلاحات» نیز یکی دیگر از سازمان‌های حامی جنبش ۱۳۸۸ بود که از اقدامات این شورا می‌توان به درخواست صدور مجوز برای برگزاری راهپیمایی از

وزارت کشور اشاره کرد. «پویش حمایت از خاتمی و موسوی (موج سوم)» نیز یکی از سازمان‌های فعال در پیش از انتخابات بود که نقش مهمی در بسیج مردمی به نفع کاندیدهای اصلاح‌طلب ایفا می‌کرد. عنصر سازمان‌دهنده مهم دیگر، ستادهای انتخاباتی کاندیدهای اصلاح‌طلب و به‌ویژه ستاد مرکزی حامیان کاندید اصلی اصلاح‌طلبان بود. این ستادها در برگزاری مراسم و جلسات سیاسی انتخاباتی، گردهم‌آیی‌های مردمی وسیع، طرح شعارها و همچنین نمادین کردن رنگ سبز به‌عنوان نشان طرفداران کاندید اصلاح‌طلب فعال بودند و تأثیر بسیاری بر افزایش مشارکت انتخاباتی مردم داشتند. از جمله مهم‌ترین ستادهای انتخاباتی طرفدار کاندیدهای اصلاح‌طلب، می‌توان به ستاد مرکزی موسوی، ستاد نسیم ۱۳۸۸ و ستاد پویش اشاره کرد. از منظر ویژگی‌های سازمانی سیال و غیرمتمرکز، در این میان مهم‌ترین نقش مربوط به خلاقیت‌های نمادین بدنه اجتماعی جنبش ۱۳۸۸ بود که عمدتاً از طبقه متوسط شهری تشکیل می‌شد. موسوی در یکی از بیانیه‌های خود می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی خودجوش و خودمختار بی‌شمار و گسترده در سطح جامعه، بدنه این جنبش هستند» (موسوی، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۸). رشد و گسترش استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی و شبکه اینترنت و گوشی‌های موبایل در میان طبقه متوسط شهری، به آن‌ها این امکان را می‌داد که خود بتوانند به‌صورت تعاملی و شبکه‌ای، دست به بسیج نیروها و هماهنگی‌های لازم برای اقدامات اعتراضی بزنند. به‌طور در این زمینه معتقد است: «سازمان جنبش سبز تبدیل به "سازمانی مجازی" شده بود. این سازمان دارای یک هسته مرکزی نبود تا بتوان با حذف آن جنبش را فروخواباند» (بهاور، ۱۳۸۸، ص. ۲). نقش رهبری جنبش در اعتراضات ۱۳۸۸ بسیار سیال‌تر از مدل‌های کلاسیک رهبری در جنبش‌های اجتماعی بود و نوعی تعامل متقابل و غیرمتمرکز بین جایگاه رهبران و مردم معترض وجود داشت.

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

### سازمان در جنبش ۱۳۹۶

به منظور بررسی سازمان در جنبش ۱۳۹۶، لازم است تا هویت وحدت بخش و شیوه تشکیل یابی هریک از گروه های معترض در جنبش ۱۳۹۶ را مورد بررسی قرار دهیم. اصلی ترین گروه های معترض در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ عبارت اند از: مال باختگان مؤسسات مالی، کارگران مراکز تولیدی، معلمان، و دانشجویان.

### هویت وحدت بخش و سازمان در جنبش ۱۳۹۶

#### سپرده گذاران مؤسسات مالی

مؤسسات غیرمجاز عموماً طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ تأسیس شدند و در سال های ابتدای دهه ۱۳۹۰ رشد چشمگیری داشتند. اکثر این مؤسسات از سال ۱۳۹۳ غیرمجاز اعلام شدند، اما با وجود آن که بانک مرکزی غیرمجاز بودن این مؤسسات را اعلام کرد، همچنان شاهد ادامه فعالیت آن ها بودیم. تجمعات اعتراضی مال باختگان طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ به مرور گسترش یافت و با افزایش فشار افکار عمومی و اعتراضات مردمی که دارای ابعاد سیاسی و امنیتی بود، مقامات بانک مرکزی، منابع لازم را برای بازگرداندن سپرده های شهروندان تخصیص دادند. این سیاست عملاً موضوع مؤسسات مالی غیرمجاز را از بحران چند بنگاه اعتباری تبدیل به چالشی ملی کرد، چراکه این سیاست آثار تورمی داشت که تمامی مردم ایران را با آن مواجه کرده است (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۹۷). سپرده گذاران مال باخته طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ دست به اعتراضات گوناگونی زدند که چندان انعکاسی نیافت، اما در دی ماه ۱۳۹۶، این اعتراضات گسترده تر شد و از طریق شبکه سازی های مجازی و ارتباطات رودررو در محل اعتراضات، تشکل اعتراضی سپرده گذاران در محل شعب سپرده گذاری، نهادهای قضائی، مجلس شورای اسلامی و بانک مرکزی سازمان یافت.

## کارگران مراکز تولیدی

از ابتدای سال ۱۳۹۶ موجی از اعتراضات کارگری در ایران شروع شد و در دی‌ماه همان سال به اوج خود رسید. مطابق گزارش مسئولان کارگری، مجموعه کارگران سراسر کشور بیش از ۱۰ میلیون نفر است که بیش از ۲ میلیون نفر از آن‌ها با خانه کارگر در ارتباط‌اند و هر ساله بیش از ۱۵۰ هزار نفر نیز به این تعداد اضافه می‌شوند. خانه کارگر به‌عنوان نهاد صنفی دفاع از حقوق کارگران ایرانی، یک میلیون و صد هزار عضو دارد (اقتصاد ایرانی، ۱۳۹۲). عمده معضلات شغلی کارگران ایرانی عبارت است از: دستمزد پایین، فقدان امنیت شغلی، حوادث کار و فقدان پوشش بیمه‌ای، فقدان تشکلهای مستقل کارگری و فقدان حق اعتراض صنفی. بخش اعظم کارگران ایران شاغل در بنگاه‌های تولیدی و صنعتی و به‌ویژه واحدهای خدماتی حتی در این تشکلهای رسمی و مجاز هم متشکل نشده‌اند؛ این امر به معنی «سازمان‌نیافتگی» طبقه کارگر در ایران است. همچنین فقدان امکانات و لوازم بهداشتی و حفاظت و ایمنی در کارگاه‌ها و معادن در کنار نبود تشکلهای مستقل و مدافع کارگران به‌منظور آگاهی‌رسانی نسبت به آموزش و هشدار نسبت به شرایط ناایمن کار، دلیل اصلی افزایش شمار و درصد حوادث کاری مرگبار است. اما مهم‌ترین و بنیادی‌ترین معضل کارگران، دستمزد پایین در نسبت با نرخ تورم و همچنین شاخص خط فقر است. براساس ماده ۴۱ قانون کار، حداقل دستمزد باید براساس نرخ تورم به گونه‌ای تعیین شود که معیشت و زندگی برای کارگران، قابل تأمین باشد. مطابق این قانون: «حقوق، دستمزد، مزایا و عیدی کارگران باید براساس نرخ تورم واقعی در کشور محاسبه شود» (اعتماد آنلاین، ۱۳۹۸). طی سال‌های گذشته بی‌ثباتی در نرخ تورم و عدم شفافیت اقتصادی مانع از اجرای صحیح این قانون بوده است که موجب نگرانی و وضع دشوار معیشتی کارگران



بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار شده است. همچنین، در اثر فرایند خصوصی‌سازی گسترده کارگاه‌های تولیدی در سال‌های منتهی به اعتراضات دی ۱۳۹۶، و مشکلاتی مانند: کاهش دستمزد، قراردادهای کاری نامناسب، شرایط نامناسب کار، مدیریت نامطلوب کارگاه‌های تولیدی، که در اثر این سیاست پدید آمد، تعداد زیادی اعتراض کارگری در واحدهای تولیدی کشور رخ می‌داد. در این سال ۱۲۵۱ مورد اعتراض رخ داد که نسبت به سال ۱۳۹۵ که موارد اعتراضات ۱۲۶۴ مورد بوده است، تقریباً تفاوتی نکرده است. همچنین در ۶۸۹ واحد تولیدی و خدماتی در سال ۱۳۹۶ شاهد اعتراضات کارگری بوده‌ایم (دارالشفاء، ۱۳۹۹، ص. ۴۵).

## معلمان

معلمان و فرهنگیان کشور در سال‌های اخیر اعتراضات زیادی را سازمان داده‌اند که به دلیل جایگاه اجتماعی این قشر، این اعتراضات بازتاب گسترده‌ای داشته و به دلیل ساختار صنفی منسجم، معلمان توانسته‌اند در شهرهای مختلف ایران، اعتصاب‌ها و اعتراض‌های هم‌بسته‌ای را به شیوه «اعتصاب سراسری» به نمایش بگذارند. «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» یکی از مراجع صنفی معلمان است که به ایجاد هماهنگی و وحدت رویه بین تشکل‌ها، کانون‌ها و مجمع‌های صنفی معلمان سراسر کشور می‌پردازد و نقش مهمی در سازمان‌دهی اعتصابات و اعتراضات صنفی معلمان برای دفاع از حقوق صنفی معلمان دارد. در بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران که به مناسبت تحصن سراسری معلمان نوشته شده بخشی از مطالبات و اعتراضات معلمان این‌گونه اعلام شده است: اعتراض به پولی‌سازی آموزش، اعتراض به پایین بودن حقوق و دستمزد، اعتراض به گرانی و تورم، اعتراض به زندانی کردن معلمان، اعتراض به نقض حق تحصیل رایگان و

عمومی، مطالبه مدارس امن و ایمن و استاندارد، اعتراض به کاهش قدرت خرید معلمان در کنار سایر اقشار و جامعه، مطالبه رفع تبعیض از ساختار نظام آموزش، دفاع از تحسن و تشکلیابی به‌عنوان یک حق مسلم، اعتراض به غارت صندوق ذخیره فرهنگیان، مطالبه بیمه فراگیر و کارآمد، اعتراض به عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، اعتراض به طرح معلم تمام‌وقت، اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه‌بندی، مطالبه آزادی معلمان در بند (شکری، ۱۳۹۷، ص. ۸).

### دانشجویان

دانشجویان یکی از گروه‌های معترض در دی ۱۳۹۶ بودند که هم‌زمان با اعتراضات عمومی در سراسر کشور، دست به برپایی تجمعات اعتراضی در محیط دانشگاه زدند و هم‌زمان با طرح مطالبات دانشجویی و صنفی، از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت وقت (دولت دوازدهم) انتقاد کردند و با اقشار معترضی چون کارگران و معلمان و طبقه تهیدست اعلام هم‌بستگی کردند. انحلال یا محدود کردن فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی در برهه پس از اعتراضات ۱۳۸۸ موجب شد که جنبش دانشجویی خود را بر بستر تشکلات صنفی که کم‌تر در معرض حمله بودند بازتعریف کند. با گسترش اعتراضات گروه‌های مختلف به‌ویژه کارگران، در دی‌ماه ۱۳۹۶، این دانشجویان فعال صنفی، اهداف صنفی دانشجویی را با حوزه گسترده وضعیت اقتصادی و معیشتی گروه‌های تهیدست جامعه پیوند زدند و به‌طور مشخص از کارگران معترض حمایت کردند. یکی از فعالین صنفی دانشگاه در این باره گفته است: «از آنجا که جریان صنفی دانشجویان برپایه مطالبات صنفی عدالت‌خواهانه بنا نهاده شده، به شکلی بالذات در کنار مطالبات جنبش عدالت‌خواهانه معلمان و همین‌طور جنبش کارگری قرار می‌گیرد» (توللی، ۱۳۹۸). در این برهه، جنبش دانشجویی معتقد بود که پیوند تنگاتنگی بین

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

مطالبات صنفی دانشجویی و ساختار اقتصادی - سیاسی جامعه وجود دارد و نمی‌توان عدالت دانشجویی را بدون تغییر ساختارهای حاکم در جامعه و بی‌توجه به ا فشار تهدیدست جامعه ایجاد کرد. اعتراض این دانشجویان از دغدغه‌های خودشان در محیط دانشگاه مثل افزایش شهریه و هزینه‌های خوابگاه و سنوات تحصیلی و کنترل دانشجویان دختر شروع می‌شد، ولی این پولی شدن فراینده فضاهای آموزشی چیزی نبود که فقط در دانشگاه اتفاق افتاده باشد و نتیجه بلافصل آن چیزی بود که تحت عنوان خصوصی‌سازی از سال‌ها پیش در همه عرصه‌های جامعه ایران آغاز شده بود (عجمی، ۱۳۹۹). محور نقد جریان صنفی، سیاست‌های نئولیبرالیستی دولت بود که خود را به شکل «کالایی‌سازی» و «پولی‌سازی» آموزش و طرح‌هایی مانند «طرح کارورزی» و «اجرای قانون سنوات» نشان می‌داد. پیامدهای کالایی‌سازی آموزش سبب می‌شد که فرزندان طبقات فرودست حین تحصیل در دانشگاه تحت فشار هزینه‌های سنگین آموزشی قرار بگیرند و به تدریج از ورود به دانشگاه محروم شوند یا از سرانجام بخشیدن به تحصیلات دانشگاهی خود بازمانند.

### نتیجه

بررسی سازمان در جنبش‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ نشانگر اشکال متفاوت هویت مشترک و تشکل‌های رسمی یا غیررسمی در هریک از این جنبش‌هاست. به‌طور کلی از منظر هویت مشترک، در جنبش ۱۳۷۸، هژمونی هویتی تحت سیطره گفتمان روشنفکری دینی در دهه ۱۳۷۰ ش قرار دارد. محور اصلی این گفتمان، تکثرگرایی دینی و فرهنگی به همراه یک نظام سیاسی دموکراتیک است که براساس نوعی اخلاق دینی متناسب با مقتضیات زمان، به دنبال ایجاد آزادی‌های مدنی و رفع تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی و مذهبی است. این هویت، به‌طور مشخص، مرتبط با مناسبات سیاسی در برهه جنبش

۱۳۷۸ است و در واقع پیوند حوزه روشنفکری و سیاست از سوی نیروهای نزدیک به جناح اصلاح طلب است. از منظر رویکرد اقتصادی، هویت جنبش ۱۳۷۸ نزدیک به انگاره لیبرالیستی و بازار آزادی است و از منظر سیاسی دموکراتیزاسیون ساختار سیاسی حاکم دغدغه فکری اصلی است. تشکل‌های سازمان‌دهنده در این جنبش نیز عمدتاً ترکیبی از احزاب رسمی اصلاح طلب، تشکل‌های رسمی دانشجویی و حلقه‌های روشنفکری دینی هستند و در جنبش ۱۳۷۸، تشکل‌های سازمان‌دهنده نقش اصلی را در بسیج سیاسی معترضان ایفا می‌کنند. یک دهه بعد و در جنبش ۱۳۸۸، هویت مشترک جنبش همچنان پیوند آشکاری با جنبش ۱۳۷۸ دارد، اما در این جنبش هویت مشترک، در ذیل یک دال مرکزی مهم تعریف می‌شود که عبارت است از: نقد فرایند انتخابات در ساختار سیاسی حاکم. به عبارت دیگر، هویت جنبش ۱۳۸۸، بسیار مشخص‌تر و مرتبط با مطالبه مشخصی است که ناظر بر شفافیت فرایند انتخاباتی است. از سوی دیگر، هویت روشنفکری دینی در جنبش ۱۳۸۸ بسیار کم‌رنگ‌تر از جنبش ۱۳۷۸ است و دیگر روشنفکران دینی در آن نقش محوری ندارند. از منظر تشکلات سازمان‌دهنده، برخلاف جنبش ۱۳۷۸ که بر بستر برخی تشکلات دانشجویی و احزاب اصلاح طلب شکل گرفت، در جنبش ۱۳۸۸، نقش محوری با کمپین‌های انتخاباتی و ستادهای انتخاباتی بود که عمدتاً ماهیتی خودجوش و مردمی داشتند. در جنبش ۱۳۸۸، احزاب رسمی اصلاح طلب و تشکلات رسمی دانشجویی همچنان فعال بودند، اما دیگر جایگاه کانونی نداشتند، و نقش محوری بر مشارکت از پایین به بالای طبقه متوسط شهری و شبکه‌سازی‌های وسیع این طبقه از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی موبایلی و اینترنتی بود. در جنبش ۱۳۸۸، نقش طبقه متوسط شهری چنان برجسته بود که رهبریت جنبش در ذیل مقاومت‌های نمادین و خلاقانه طبقه متوسط شهری معترض خود را تعریف

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

می‌کرد. با حرکت از جنبش ۱۳۸۸ به سوی جنبش ۱۳۹۶، شاهد تغییرات مهمی در هویت مشترک جنبش هستیم. تغییرات نسلی و تحول قشربندی اجتماعی در برهه جنبش ۱۳۹۶ منجر به خلق هویت مشترک جدیدی شده بود که مهم‌ترین ویژگی آن ناباوری به ارزش‌های سنت‌گرایی ایدئولوژیک و تقابل جدی با آن بود. از جهتی، این نکته می‌تواند قابل توجه باشد که در جنبش ۱۳۹۶، بدنه اجتماعی معترض، ارزش‌هایی مادی‌گرایانه را به نمایش می‌گذارد. دیگر هویت اصلی جنبش معطوف به اهداف آرمانی، مانند اصلاح نظام سیاسی، رسیدن به دموکراسی، تقویت جامعه مدنی و ... نیست، بلکه مسئله «کیفیت زندگی»، و برخی مطالبات عینی و مشخص مانند افزایش دستمزد، پرداخت حقوق معوقه، رفع بیکاری و مسئله مسکن و توزیع مواد غذایی اولیه به اقشار تهیدست و حاشیه‌نشین به میان می‌آید. در راستای این هویت مشترک، تشکلات سازمان‌دهنده نیز از ائتلاف بسیاری از اصناف شکل می‌گیرند که دغدغه همه آن‌ها مسائل صنفی و معیشتی است. بنابراین برخلاف جنبش‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، که ماهیت سازمانی جنبش‌ها مرتبط با تشکلات سیاسی و جامعه مدنی است، در جنبش ۱۳۹۶، با ماهیت سازمانی صنفی مواجه هستیم. به نظر می‌رسد این هسته‌های معترض صنفی یا گروه‌های معترضی که مستقیماً در معرض تهیدستی قرار داشتند، موتور محرک سازمانی جنبش ۱۳۹۶ هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. political model
2. mobilization model
3. interest
4. organization
5. mobilization
6. repression-facilitation
7. power
8. oppornity-threat

## 9. action

### منابع

- اعتماد آنلاین (۱۳۹۹)، <https://etemadonline.com/topics/81286>،
- اقتصاد ایرانی (۱۳۹۲)، چه تعداد کارگر در کشور داریم؟،  
<http://www.ireconomy.ir/fa/page/5174>
- باتامور، ت. (۱۳۶۹) *منتقدان جامعه*. ترجمه جواهرکلام. تهران: سفیر.
- بشیری، ح.، تقفی، م.، و حیدری، م. (۱۳۸۰). جنبش دانشجویی و کوشش برای نقد قدرت. *بازتاب اندیشه*، ۱۶.
- بشیری، ح. (۱۳۸۱). *دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نگاه معاصر.
- بهاور، ع. (۱۳۸۸). سازمان مجازی و رهبری فرضی؛ تحلیلی بر علل تداوم جنبش سبز،  
<http://www.emadbahavar.blogfa.com/post-25.aspx>
- بیات، آ. (۱۳۷۹). *سیاست‌های خیابانی؛ جنبش تهیستان در ایران*. ترجمه ا. نبوی. تهران: شیرازه.
- بیات، آ. (۱۳۹۰). *زندگی همچون سیاست؛ چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند*. ترجمه ف. صادقی. نشر اینترنتی.
- بیات، آ. (۱۳۹۸). *طغیان طبقه متوسط فرودست. ایران فردا*، ۵۷.
- پاشایی فومشی، ز. (۱۳۹۷). *فرا تحلیل اعتراضات خیابانی دی‌ماه ۹۶ ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پناهی، م. ح. (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب؛ وقوع، فرایند و پیامدها*. تهران: سازمان سمت.
- پورمختاری، ن. (۱۳۹۹). *فهم جنبش سبز به‌عنوان نهضت جنبش‌ها*،  
<https://www.kaleme.com/1399/02/27/klm-278865/>
- توللی، ج. (۱۳۹۸). *جریان صنفی دانشجویی علیه دوگانه اصلاح طلب - اصول‌گرا*،  
<https://www.radiozamaneh.com/478068/>

بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار  
تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*. ترجمه ع. مرشدی‌زاده. تهران: پژوهشکده امام خمینی  
و انقلاب اسلامی.

جبهه مشارکت (۱۳۸۸). بیانیه جبهه مشارکت در مورد انتخابات ۸۸

[https://www.bbc.com/persian/iran/2009/07/090630\\_si\\_ir88\\_moshreka](https://www.bbc.com/persian/iran/2009/07/090630_si_ir88_moshreka)

جعفری‌پور، م. (۱۳۹۸). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جهت ایجاد فرصت‌ها و

تهدیدهای عرصه سیاسی و اجتماعی؛ مطالعه موردی اعتراضات دی‌ماه ۹۶. پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

جلائی‌پور، ح.ر. (۱۳۸۸). جنبش سبز رهبر حقیقی ندارد، <https://snn.ir/fa/news/48532>

جلائی‌پور، ح.ر. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی؛ با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم

خرداد. تهران: طرح نو.

جلائی‌پور، ح.ر. (۱۳۸۹). فهم جنبش دانشجویی در ایران، با تأکید بر فعالیت‌های دانشجویی

در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۳.

جلائی‌پور، ح.ر. (۱۳۹۱). لایه‌های جنبشی جامعه ایران؛ دو جنبش کلان و ده جنبش خرد

اجتماعی. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۴.

جلائی‌پور، ح.ر. و نصر اصفهانی، آ. (۱۳۹۳). رخدادهای انتخابات ۱۳۸۸ از چشم‌انداز تحلیل

چهارچوب. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱، ۱۳۷-۱۶۲.

جلائی‌پور، ح.ر. و حاجی‌زادگان، ا. (۲۰۱۸). شناسایی عوامل مؤثر بر «اعتراضات دی‌ماه

۱۳۹۶» در ایران. سایت خبری تحلیلی امتداد.

چگینی، ر. (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های اجتماعی در دعوت، تشویق و جهت‌دهی به اعتراضات

مردمی در آبان‌ماه ۹۸ به سمت آشوب و ناآرامی (مطالعه موردی پیام‌رسان تلگرام).

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان قزوین.

خرمشاد، م.ب. و کرد، ف. (۱۳۹۸). طبقه متوسط و بسیج منابع رأی‌دهی در ایران (۱۳۷۶-

۱۳۹۶)، جستارهای سیاسی معاصر ایران، ۳.

- جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱
- دارالشفاء، ی. (۱۳۹۹). گاه‌شمار تحلیلی اعتصاب‌ها، اعتراض‌ها و تشکل‌یابی کارگران در ایران، بخش سوم. نشریه اینترنتی نقد، [www.naghd.com](http://www.naghd.com)
- دوگانی آغچغلو، ا. (۱۳۹۸). مطالعه دلایل به خشونت کشیده شدن اعتراضات اجتماعی از منظر دستگیرشدگان اعتراضات آبان ۹۸ در شهر حرم‌آباد و درود. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت‌اله بروجردی، دانشکده علوم انسانی.
- ربیعی، ک. (۱۳۹۷). تبیین شرایط تکوین بهار عربی و زمینه‌های فروپاشی رژیم‌های سیاسی در تونس و مصر. دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۴، ۱-۳۶.
- روشنایی، ن. (۲۰۱۴). چرخه حیات جنبش سبز، [www.radiozamaneh.info/170942](http://www.radiozamaneh.info/170942)
- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (۱۳۸۸). بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درباره حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸. [https://www.bbc.com/persian/iran/2009/06/090630\\_op\\_ir88\\_mojahedin-enghelab](https://www.bbc.com/persian/iran/2009/06/090630_op_ir88_mojahedin-enghelab)
- ساعی، ع. (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی. تهران: آگه.
- شکری، ج. (۱۳۹۷). مروری تحلیلی بر اعتصابات و اعتراضات اخیر طبقه کارگر و دانشجویان. نشریه اینترنتی نقد، [www.naghd.com](http://www.naghd.com)
- شمسی، ع. (۱۳۹۰). جریان‌شناسی فکری - سیاسی گروه‌های دوم خرداد؛ مبانی فکری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نشریه پیام، ۱۰۸.
- صابر، ه. (۱۳۸۶). هویت فرار: گذری بر سیر تحول هویتی انجمن‌های اسلامی. چشم‌انداز ایران، ۴۳.
- صفدری، م. (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای بازتاب ناآرامی‌های دی‌ماه ۹۶ در روزنامه‌ها به تفکیک دو جناح سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سوره، دانشکده فرهنگ و ارتباطات.
- ظریفی‌نیا، ح. ر. (۱۳۷۸). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸. تهران: آزادی‌اندیشه.



بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان‌بخش... \_\_\_\_\_ نیما اکبری مقدم و همکار

عارف، پ. (۱۳۹۸). جنبش دانشجویی ایران در دهه نود،

<https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-50705009>

عجمی، ع. (۱۳۹۹). نگاهی به جنبش دانشجویی دهه نود،

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/229247>

علیزاده، ت. (۲۰۱۸). مروری بر چهار دهه جنبش دانشجویی ایران،

<https://iramcenter.org/fa/four-decades-of-iranian-student-movement/>

کاظمی، ع. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران. تهران: طرح نو.

کسرابی، م.، و پوزش شیرازی، ع. (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی

انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلائو و موفه (۱۳۷۶ - ۱۳۵۸). سیاست، ۱۹.

گیدنز، آ. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی. ترجمه م. صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.

محمدی، م. (۱۳۸۸). رهبری جنبش سبز: شبکه‌ای، غیرمتمرکز، تعاملی و توافقی،

[https://www.radiofarda.com/a/F7\\_Commentary\\_on\\_Iran\\_Green\\_Movement\\_Leadership/1838153.html](https://www.radiofarda.com/a/F7_Commentary_on_Iran_Green_Movement_Leadership/1838153.html)

مدنی، س. (۱۳۹۳). جنبش سبز؛ دیروز، امروز، فردا، <http://mihan.net/1393/11/12/26/>

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۶).

<http://www.ispa.ir/Default/Details/fa/1860/14>

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۷). <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1952>.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۲۰۱۸). نظرسنجی پیرامون اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶،

<http://ispa.ir/Default/Details/fa/1846>

مسعودی‌نیا، ح.، و محمدی‌فر، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میان رشد طبقه متوسط جدید و

افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱، ۱۴۷-۱۸۰.

مشیرزاده، ح. (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی.

موتقی گیلانی، ا.، و عطارزاده، ب. (۱۳۹۱). نقش و تأثیر فضای مجازی در جنبش‌های

اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲۷.

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

موسوی، م.ح. (۱۳۹۱). چنین گفت میرحسین؛ مجموعه سخنرانی‌ها، گفت‌وگوها، بیانیه‌ها، یادداشت‌ها، اطلاعیه‌ها و پیام‌های میرحسین موسوی از بهمن ۱۳۷۸ تا اسفند ۱۳۸۹. کانون دکتر علی شریعتی.

یوسفی اشکوری، ح. (۱۳۷۶). در تکاپوی آزادی. تهران: قلم، ج ۲.

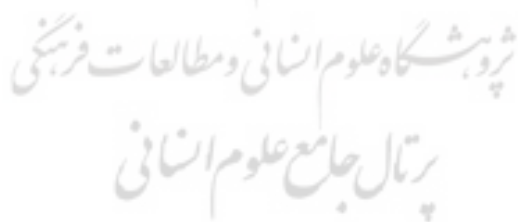
Blummer, H. (1969). *The Study of Social Movements*. London: Routledge.

Careton, A. (1994). *Social Movements in the Third World*. London: Macmillan.

Jalaeipour, H. (2000). Religious Intellectuals and political Action in Reform Movement. <http://www.seraj.com>

Rabiei, K. (2020). Protest and regime change: Different experiences of the Arab uprising and the 2009 iranian presidential election protests, *International studies. Jawaharal Nehru University*, 57, 144-170.

Ragin, C.C. (1994). *Constructing Social Research: in the unity and Diversity of Method*. London: Pine forg Press



## A Comparative Study of Protest Identity and Organizing Institutions of Social Movements in Iran during 1378-1396

Nima Akbari Moghadam<sup>\*1</sup>, Ali Mohammad Hazari<sup>2</sup>

Received: 30/06/2021 Accepted: 02/08/2021

### Abstract

In the present article, using Charles Tilly's resource mobilization theory and emphasizing Tilly's political mobilization model, the organizational characteristics of the three protest movements of 1978, 1988 and 1996 in Iran have been studied. The main question of this research is what are the differences and similarities of each of these movements from the perspective of the organizational process (shared identity and organizing institutions)? The method of this research is comparative historical comparison of these three movements based on interpretive analysis of documents and comparison of cases. Based on the results of the research, the differences and similarities of the three movements under study have been determined from an organizational perspective. The organizing organizations in the 1978 movement are largely a mix of formal reformist parties, formal student organizations, and religious intellectual circles. The organization in movement 88 is associated with election campaigns and campaign headquarters, official reformist parties, and official student organizations, but its central role is based on bottom-up participation of the urban middle class and its extensive networking through communication technologies. Compared to movements 78 and 88, in movement 96 the protesting trade unions or protest groups that were directly exposed to poverty are the driving force behind the organizational movement of movement 96.

**Keywords:** Common Identity; Organization; Charles Tilly; July 9 Movement; Movement 88; D-96 Movement.

1. PhD student in Political Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding author). Email:

nima.akbari1391@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0002-6643-8772>

2. Associate Professor, Department of Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی